

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۳۱۴

[ورزشی]

خبر

رکورد جهانی گل کوچک در تهران شکسته می‌شود

احمد یوسف‌پور، رئیس مرکز تربیت بدنی سپاه تهران بزرگ در نشست خبری با اصحاب رسانه گفت: بزرگ‌ترین مسابقات گل کوچک جهان با ۵ هزار تیم و ۳۰ هزار ورزشکار، جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در ۲۲۰ زمین بوستان ولایت برگزار می‌شود تا رکورد جهانی گینس را جابه‌جا کنیم.

وی افزود: این رویداد ورزشی با همت سپاه تهران بزرگ با عنوان یادواره آیت‌الله شهید رئیسی با ۵۰۰ هزار، ۲۲۰ بهیار و ۴ بیمارستان صحرایی مجهز، سازماندهی بی‌نظیری دارد. ۲۸۰ نفر در مرحله اول جوازیز ۱۳ تا ۱۴ میلیون در یافت می‌کنند و ۸ تیم برتر به نیت امام (رضاع) تقدیر می‌شوند.

به گفته یوسف‌پور، پیشکسوتان فوتبال، رسانه‌ها و تیم‌هایی از ۲۲ منطقه تهران و شهرستان‌ها حضور دارند و شبکه‌های ۳، خبر، ورزش و رادیو این حماسه را زنده پخش می‌کنند.

رئیس مرکز تربیت بدنی سپاه در پایان اظهار کرد: رکورد رقابت بیش از ۵ هزار تیم در یک روز، تا ۳۰ سال آینده دست‌نیافتنی خواهد بود.

جوازیز این رقابت شامل موارد زیر است:

– تیم اول: ۱۸۰ میلیون تومان
– تیم دوم: ۱۵۰ میلیون تومان
– تیم سوم: ۱۲۰ میلیون تومان
– جوازیز چند ۱۰ میلیونی برای ۵ تیم برتر بعدی. ثبت‌نام تا ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ از طریق وبسایت golkuchik.ir انجام می‌شود.

گزارش

گاف بزرگ در رشت؛ مسیر کوتاه، رکورد بلند! وقتی کیلومتر شمار خودرو جای متر دیجیتال را می‌گیرد

در شهرستان رشت، جایی که باید میدان افتخار برای پیاده‌روی قهرمانی کشور باشد، مسابقه‌ای برگزار شد که به جای شکستن رکورد، اعتماد را شکست. مسابقات پیاده‌روی ۲۰ کیلومتر مردان و زنان کشور به میزبانی گیلان برگزار شد اما آنچه ثبت شد، نه رکوردها بلکه یک اشتباه حیرت‌انگیز بود. اندازه‌گیری مسیر مسابقه با خودرو به جای تجهیزات دقیق و استاندارد!

مسابقه‌ای که می‌توانست ویرتین تلاش قهرمانان خاموش دوومیدانی باشد، در سایه بی‌دقتی و بی‌توجهی، به یک رویداد غیررسمی روحشیه بدل شد؛ تا جایی که خود قدراسیون دوومیدانی نیز در بیانیه‌اش صراحتاً از واژه «غیررسمی» برای نتایج استفاده کرد.

کیلومترهای ناقص، رکوردهای اضافه

هر قدر هم دوییدند، قدم زدند، تلاش کردند، یک اشتباه ساده همه چیز را از آنها گرفت. مسیر مسابقه به‌جای آنکه با «متر دیجیتال» اندازه‌گیری شود، با خودروی سواری و بر اساس کیلومتر شمار طی شد و همین خطای محاسباتی، باعث شد رکوردهای ثبت‌شده از اعتبار بیفتد. رکوردهایی که روی کاغذ ملی بودند اما در واقعیت، ساخته یک مسیر کوتاه‌تر! در رقابت مردان، رکوردها تا ۱۰ دقیقه نسبت به آخرین مسابقات سقوط کرده بود! این آمار، به جای شگفت‌زدگی، شک برانگیخت. مربیان اعتراض کردند، هشدار دادند اما کسی گوش نکرد. در بخش زنان، ماجرا تلخ‌تر شد. ۳ نفر نخست، به ظاهر رکورد ملی را شکستند اما وقتی اعتراض‌ها بالا گرفت، مسیر دوباره بررسی شد. دوباره، نه با متر دیجیتال، بلکه با چند خودروی مختلف! و تازه آنجا بود که مسؤولان فهمیدند هر خودرو عدد متفاوتی را نشان می‌دهد.

وقتی مربیان از رکوردهای شاگردان شان متعجب می‌شوند

فهمیه کلهر، مربی باتجربه دوومیدانی، یکی از کسانی بود که بلافاصله به نحوه اندازه‌گیری مسیر اعتراض کرد. شاگرد او سوم شد و در ظاهر رکورد ملی را زد اما خود مربی می‌دانست این نتیجه واقعی نیست: «می‌دانم توان شاگردم چقدر است. شاید اگر مسیر درست بود هم پچها رکورد می‌زدند اما دیگر نه ۱۰ دقیقه!»

در واقع، حتی موفقیت‌ها هم تلخ شد. ورزشکارانی که با جان و دل تمرین کرده بودند، حالا با یک واقعیت تلخ مواجه شدند: زحمات‌شان زیر سایه اشتباه دیگران نادیده گرفته شد.

نه متر بود، نه داور تخصصی!

اما گاف‌ها به همین‌جا ختم نمی‌شود. کلهر پرده دیگری از ماجرا را هم کنار زد: در این رقابت، حتی داور تخصصی برای ماده پیاده‌روی وجود نداشت. او گفت: «هر دآوری که مشکلی نداشت و صبح زود بیدار می‌شد، آمده بود سر مسابقه!» و این یعنی در رقابتی با این اهمیت، هیچ داور آموزش‌دیده‌ای برای ۲۰ کیلومتر پیاده‌روی حضور نداشت؛ ماده‌ای که قوانین و استانداردهای خاص خود را دارد.

چگونه می‌شود انتظار داشت مسابقه‌ای رسمی و دقیق برگزار شود، وقتی نه داور تخصصی وجود دارد، نه متر استاندارد، نه حتی ساختاری برای رسیدگی به اعتراض‌ها؟ این اتفاق، نه هشدار جدی است برای ساختار قدراسیون.

مسابقه‌ای برای فراموشی، نه برای تاریخ

آنچه در رشت رخ داد، نه فقط یک خطای اجرایی بلکه نمونه‌ای کامل از ضعف مدیریت، بی‌توجهی به اصول حرفه‌ای و بی‌احترامی به ورزشکاران و مربیانی بود که عمر خود را وقف این مسیر کرده‌اند. نه قهرمانی طعم واقعی داشت، نه رکوردی ثبت شد، نه کسی پاسخگو بود.

شاید بزرگ‌ترین آسیب را نه نتایج، بلکه اعتماد جامعه دوومیدانی دید؛ اعتمادی که اینگونه ویران شدنش، هزینه‌ای فراتر از حذف چند رکورد از جدول دارد.

هفته آخر لیگ است؛ آن لحظه

خاص که زمین، بیشتر از همیشه حقیقت را لو می‌دهد. جایگاه‌ها قفل شده‌اند، قهرمان شناخته شده و پرونده سقوط بسته شده است اما هنوز صدای تیک‌تاک از گوشه

جدول به گوش می‌رسد؛ دومین سهمیه لیگ نخبگان آسیا روی بند تعادل ایستاده، منتظر سوت یک داور در اصفهان و فریاد یک توپ در تور آزادی. پرسپولیس چشم به آبی‌ها دوخته و استقلال، ناخودآگاه، بازی‌گردان لحظه‌های آخر فصل شده. در دل این قصه، مجتبی جباری ایستاده؛ آرام، با نگاهی که انگار از پشت سال‌ها تجربه عبور می‌کند.

جباری؛ در آغاز راه یا آزمون آخر؟

برای مجتبی جباری، این فقط یک بازی نیست، نخستین تقابل بیرون از تهران، نخستین قدم روی خاکی که صدای نفس‌های حریف را نزدیک‌تر می‌شنود. ۳ بازی، ۲ پیروزی، یک تساوی؛ حالا آزمون‌ی واقعی مقابل سپاهانی که چیزی برای از دست دادن ندارد جز جایگاه دوم.

او هنوز «سرمربی موقت» است اما خوب می‌داند در فوتبال ایران، هیچ صفتی «موقت» نمی‌ماند اگر نتیجه در کار باشد. قهرمانی در جام حذفی، یک بلیت طلایی است اما قبل از آن، باید اعتبارش را برابر غول لیگ ثابت کند. بازی با سپاهان، ۲ معنا دارد؛ یا بالا رفتن از نردبان اعتبار یا ایستادن در میانه بادهای تردید.

اگر استقلال ببرد یا حتی میزبان را متوقف کند، جباری چیزی بیش از یک سرمربی موقت خواهد شد. شاید دیگر او را فقط با خاطره پاس طلایی‌اش به فرهاد مجیدی شناسند، بلکه با تیمی که در بحران با جباری هویت دوباره گرفت، وی را به یاد آورند.

نبردن به سود کیست؟

اما قصه فقط یک سو ندارد. در فوتبال، گاهی نبردن، خودش یک نوع بردن است. هواداران استقلال که دل خوشی از لیگ ندارند، شاید بیش از هر چیز، به ناکامی پرسپولیس دل بسته‌اند. سهمیه آسیا برای سرخ‌ها یعنی یک امتیاز روحی و اگر استقلال در اصفهان امتیاز نگیرد، ممکن است این سهمیه

در فوتبال، گاهی یک حرکت، یک واکنش، یک عبور ساده از مقابل دوربین‌ها، می‌تواند بیشتر از هر عدد و آمار، سرنوشت یک ستاره را دگرگون کند. حالا نوبت کریستیانو رونالدو است؛ مردی که تمام دوران حرفه‌ای‌اش با کنترل، انضباط و جاه‌طلبی شناخته شده بود اما به‌نظر می‌رسد در ۴۰ سالگی، عصبانیت لحظه‌ای‌اش آینده را دچار تعلیق کرده است.

در جریان شکست ۳-۲ النصر برابر الاتحاد، نه فقط یک بازی، بلکه شاید اعتماد میان باشگاه و فوق‌ستاره پرتغالی شکست. هنوز صدای سوت داور تمام نشده بود که رونالدو، خشمگین و ناامید، زمین را ترک کرد. لباس هنوز بر تن، عرق هنوز بر صورت اما نگاهش از زمین جدا شده بود. آن تصویر حالا به سندی تبدیل شده برای توقف یک توافق.

رودرویی مهدی طارمی و بازیکن کره‌ای پاریس به عنوان ۲ آسیایی در فینال اروپا نبردشرق در قلب غرب

دهم خردادماه، شب بزرگی برای فوتبال اروپاست؛ شب فینال، شب تصمیم اما در لایه‌ای عمیق‌تر، این شب، قصه‌ای آسیایی نیز در دل خود دارد. مهدی طارمی و لی کالنگ این، ۲ پسر شرقی که هر کدام با رویایی مشترک اما با مسیرهایی متفاوت، خود را به آستانه قله اروپا رسانده‌اند، این بار در لباس ۲ باشگاه پرقدرد قاره سبز، به میدانی می‌روند که نه فقط سرنوشت یک جام، بلکه بخشی از افتخار آسیا در آن رقم خواهد خورد.

ورزشگاه ایلینز آرنا مونبخ، به میزبانی آلمان، میزبان فینال لیگ قهرمانان اروپاست؛ رقابتی که در آن اینتر ایتالیا، تیم منظم و مسلط سیمونه اینزاگی، مقابل پارس‌پرس‌ژرمن فرانسه، تیم مملو از ستاره‌های پرزرق و برق، صف‌ارایی خواهد کرد. این یک دوتل فوتبالی است اما با چاشنی غورر یک قاره.

طارمی؛ نماینده ایران با شانه‌هایی آماده برای تاریخ

مهدی طارمی، مهاجم خوش‌فکر بوشهری که در آغاز فصل با انتقالی پرسر و صدا از پورتو به اینتر پیوست، حالا در آستانه لمس جامی ایستاده که پیش‌تر فقط در خواب فوتبالیست‌های ایرانی ممکن بود. او در بازی برگشت برابر بارسلونا، یکی از نفس‌گیرترین نبردهای

از چنگ پرسپولیس برود. این یعنی یک دهن‌کچی کوچک به رقیب سنتی، حتی در فصلی که همه چیز علیه آبی‌ها بود. در این میان، جباری ایستاده است؛ بین منطق فوتبال و احساسات هواداری. اگر همه توانش را بگذارد و ببرد، شاید قهرمان بودن را بیاموزد اما اگر ببازد، بخشی از هواداران ناراحت نمی‌شوند؛ چون می‌دانند قهرمانی در جام حذفی، مسیر بازگشت به افتخار است. آنها ترجیح می‌دهند سپاهان آسیایی شود و پرسپولیس پشت در بماند، حتی اگر استقلال خودش روی پله هشتم یا یازدهم بایستد.

حسابگری در میانه میدان

۹ روز بعد از این بازی، صنعت نفت آبادان منتظر است؛ در نیمه‌نهایی جام حذفی، در مسابقه‌ای که مهم‌ترین «اگر» فصل برای استقلال خواهد بود. جباری باید محتاط باشد؛ نه فقط برای بردن، بلکه برای بازآاندن نفراش. مصدومیت محمدرضا آزادی زنگ خطر را به صدا درآورده، هر آسیب‌دیدگی، یک قدم فاصله از جام است.

اما در سوی دیگر، ۲ هفته دوری از بازی رسمی می‌تواند بازیکنان را از ریتم خارج کند. شاید بازی سپاهان، آخرین فرصت تنظیم مجدد باشد. ترکیب اصلی یا ذخیره؟ ریسک یا محافظه‌کاری؟ جباری باید انتخاب کند؛ با چشم به تقویم و گوش به تیش قلب هوادار.

مردی با چشمان متفکر

جباری از همان ابتدا با فوتبال تصویری و فلسفی خو گرفته بود. نه برای عدد و آمار بازی می‌کرد، نه برای تعریف‌های زودگذر. برای ایده‌ها، برای لحظه‌های خاص. حالا روی نیمکت، همین رویکرد را ادامه می‌دهد. گفته با تمام قوا به مصاف سپاهان خواهد رفت و حتی اگر این را نگوید، ذهنش همیشه میان بازی زیبا و برد کاربردی، در حال قضاوت است.

اگر او بخواد برای سرمریگری دائم بجنگد، باید ثابت کند در بازی‌های بزرگ، قدرت تصمیم‌سازی دارد. نه فقط در انتخاب

■ **تمدید متوقف شد؛ همه چیز در هاله‌ای از تردید**
پیش‌تر گفته می‌شد توافق اولیه میان النصر و کریس برای تمدید ۲ ساله حاصل شده؛ توافقی که به نظر می‌رسد مهر تأییدی بر ادامه ماجراجویی ستاره پرتغالی در غرب آسیا باشد اما رفتار پس از باخت به الاتحاد، این روند را متوقف کرد. در سکوت سرد مدیران النصر، حالا همه چیز در نقطه‌ای ایستاده که به سمت بستن قرارداد می‌رود، نه به سمت پایان رسمی، النصر، تیمی که با حضور رونالدو، توجه جهانی یافت، اکنون در شرایطی دشوار ایستاده

شکست در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا برابر کوازاکزی ژاپن و قرار گرفتن در جایگاه چهارم لیگ، به معنای از دست دادن سهمیه حضور در رقابت‌های بزرگ قاره‌ای است. همین ناکامی‌ها، به آتش نارضایتی کریس دامن زده‌اند. ■ **فیفا و رؤیای جهانی؛ کریس در چلسی؟**
اما هم‌زمان با تعویق تمدید قرارداد، فیفا در حال طراحی سناریویی دیگر است. رؤیای فیفا، حضور یکی از محبوب‌ترین چهره‌های قرن ۲۱ در جام جهانی باشگاه‌هاست. مشکلی که وجود دارد، عدم راهیابی النصر به این رقابت‌هاست اما وقتی پای رونالدو در میان باشد، فیفا هم ساکت نمی‌نشیند. گزارش‌ها حاکی از آن است که انتقالی کوتاه‌مدت به باشگاهی بزرگ

جباری و مسأله خاص دیدار با سپاهان

تونل طلایی نقش جهان

نفرا، بلکه در خواندن جو، در فهمیدن خواسته‌های پنهان باشگاه و هوادار.

یک تصمیم، ۲ معنا

جباری یک تصمیم بیشتر ندارد: بجنگد یا چشم ببوشد اما هر انتخاب، ۲ پیام دارد. یا اعتبار شخصی و آینده شغلی یا وفاداری به فضای هواداری که این روزها بیشتر از نتیجه، دنبال معنا می‌گردد. گاهی یک برد، سکوت می‌آورد.

گاهی یک باخت، تشویق و گاهی فقط کافی است بازی را با تمام معنا زندگی کرد.

برای جباری، فوتبال همیشه چیزی بیشتر از گل و امتیاز بوده؛ این بار هم شاید به جای انتخاب یکی از ۲ راه، راه سومی پیدا کند. جایی میان بردن و نبردن، جایی برای ایستادن شرافتمندانه. جایی برای کسی که هنوز شماره ۸ را در جان فوتبال ایران دارد.



آینده رونالدو به «خشم» گره خورد

دوراهی ریاض - لندن

در اروپا، مثلاً چلسی، در حال بررسی است. انتقالی که نه به خاطر پول بلک برای بازگشت به صحنه جهانی، برای پایان دادن به یک دوران باشکوه در سطح اول فوتبال جهان رقم خواهد خورد. حضور رونالدو در لندن، حتی برای چند ماه، می‌تواند دوباره بازار نقل و انتقالات را جلب کند.

ریاض تا لندن؛ مقصد بعدی کجاست؟

کریستیانو رونالدو از ژانویه ۲۰۲۳ تا امروز، تنها یک جام در عربستان به دست آورده است: جام باشگاه‌های عرب. برای مردی که همیشه در پی قله‌ها بوده، این دستاورد نه کافی است، نه راضی‌کننده. او آمده بود تا نقطه عطفی در فوتبال آسیا بسازد اما حالا شاید بیش از هر زمان دیگری به بازگشت به اروپا فکر کند. آیا النصر فرصتی دیگر به فوق‌بستاراش خواهد داد؟ آیا فیفا مسیر بازگشت او به ویرترین جهانی را هموار خواهد کرد؟ و مهم‌تر از همه، آیا رونالدو همچنان عطش بازی در بالاترین سطح را دارد یا در نقطه‌ای از مسیر، احساس کرده دیگر چیزی برای اثبات باقی نمانده است؟

دادن سهمیه حضور در رقابت‌های بزرگ قاره‌ای است. همین ناکامی‌ها، به آتش نارضایتی کریس دامن زده‌اند.

فیفا و رؤیای جهانی؛ کریس در چلسی؟

اما هم‌زمان با تعویق تمدید قرارداد، فیفا در حال طراحی سناریویی دیگر است. رؤیای فیفا، حضور یکی از محبوب‌ترین چهره‌های قرن ۲۱ در جام جهانی باشگاه‌هاست. مشکلی که وجود دارد، عدم راهیابی النصر به این رقابت‌هاست اما وقتی پای رونالدو در میان باشد، فیفا هم ساکت نمی‌نشیند. گزارش‌ها حاکی از آن است که انتقالی کوتاه‌مدت به باشگاهی بزرگ



بدل کند. پاریس شاید ستارگان بزرگی چون دمبله و حکیمی را در اختیار داشته باشد اما هر بازی بزرگ، به بازیکنی غیرمنتظره نیاز دارد.

فینال برای یک قاره؛ چشم‌ها به مونبخ دوخته شده

حالا، فراتر از مرزهای ایتالیا و فرانسه، حتی فراتر از اروپا، چشم‌ها به مونبخ دوخته شده؛ به رقابتی که در آن ۲ بازیکن از آسیا نمایندگان یک رویا هستند. نه فقط برای خودشان، نه فقط برای تیم‌های‌شان، بلکه برای میلیون‌ها نوجوانی که در زمین‌های خاکی ایران و کره جنوبی، بدرخشند، شاید فصل جدیدی در مهاجرت فوتبالیست‌های ایرانی به اروپا گشوده شود؛ با الگویی زنده و معتبر. اگر لی از نیمکت برخیزد و در بزنگاهی حیاتی بدرخشد، شاید دوباره اعتماد از دست رفتنش را در جمع ستارگان پاریس بازابد.

از جنوب ایران تا مرکز اروپا؛ روایت زنده رویا

این فینال، فینال لیگ قهرمانان اروپا است؛ بله! اما در عین حال، دوتلی آسیایی است در بزرگ‌ترین آوردگاه باشگاهی دنیا. ۲ بازیکن، ۲ فرهنگ، ۲ مسیر و یک نقطه تلاقی؛ شامگاه دهم خرداد، الیزا ارناد در آن شب، فوتبال آسیا یک افتخار دیگر به ویرتینش می‌افزاید. آن افتخار، مهر و امضای مهدی طارمی با لی کالنگ این را خواهد داشت؛ ۲ مسافر شرق که برای فتح قلب اروپا آمده‌اند.

[۲ اس] یک ال کلاسیکو، یک لالیگا



[توتواسپورت]

یوونتوس، کارت قرمز و خشم



[کوریره]

فقط با قلب



[مارکا]

سومین فینال



[اسپورت]

بارسا، بارسا، بارسا! بارسا!

